

# چگونگی تغییرات متمم‌های فعل در فرآیند اسم‌گردانی در زبان فارسی

سیده عاطفه بقایی دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا  
abaghaei1389@yahoo.com

## چکیده

در این مقاله به بررسی چگونگی تغییرات متمم‌های فعل در فرآیند اسم‌گردانی در زبان فارسی براساس چارچوب نظری طیب‌زاده (۱۳۹۳) پرداختیم. هفت نوع متمم برای فعل و سه نوع متمم برای اسم در زبان فارسی وجود دارد. یعنی براساس فرآیند اسم‌گردانی، قاعدتاً هفت متمم فعل باید به سه متمم اسم تبدیل شود. در این مقاله نشان دادیم که این تبدیلات براساس قواعد مشخصی انجام می‌گیرند، یعنی هر متممی نمی‌تواند به هر متمم دیگری تبدیل شود. در زبان فارسی ۲۴ ساخت بنیادین وجود دارد و براساس این ۲۴ ساخت می‌توان تبدیل متمم‌های فعل به اسم را بررسی کرد. استفاده از انواع مختلف ساخت‌های بنیادین، این امکان را فراهم آورد که متمم‌های مختلف فعل در حضور یکدیگر مورد آزمون قرار گیرند. از این بررسی‌ها به این نتایج رسیدیم که بر اثر اسم‌گردانی:

۱. فاعل در حضور متمم مستقیم، به متمم حرف اضافه‌ای توسط تبدیل می‌شود و متمم مستقیم به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود.
  ۲. فاعل در حضور دیگر متمم‌ها به شرطی که متمم مستقیم در جمله وجود نداشته باشد، به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود. اگر فاعل به صورت فاعل بندی باشد نیز همین تغییر رخ می‌دهد.
  ۳. متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی خواهد ماند.
  ۴. متمم‌بندی در برخی مواقع به همان صورت باقی خواهند ماند، اما در ساخت‌های عادی‌تر به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود و در این ساخت‌ها، خود بند متممی نیز دستخوش اسم‌گردانی قرار می‌گیرد.
  ۵. متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود.
- متمم‌های قیدی، مسند و تمیز به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شوند.

واژگان کلیدی: متمم فعل، متمم اسم، اسم‌گردانی، ساخت‌های بنیادین، دستور وابستگی..

## ۱. مقدمه

دستور وابستگی دستوری صورت‌گرا است که مسائل مرتبط با بافت زبانی در آن جایی ندارد، این دستور فقط به بررسی جمله و اجزای تشکیل‌دهنده آن می‌پردازد و فقط آن دسته از نقش‌های دستوری را در یک زبان معتبر می‌داند که، بتوان با استفاده از تحلیل‌های صوری وجودشان را اثبات کرد (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸). بحث اصلی در دستور وابستگی، نظریه ظرفیت است که به بحث درباره انواع وابسته‌های فعل، اسم و صفت اختصاص دارد. براساس نظریه ظرفیت، فعل تعیین‌کننده تعداد و نوع متمم‌هایی است که می‌توانند یا باید در جمله ظاهر شوند. در نظریه وابستگی هر هسته، چه اسم باشد چه فعل و چه صفت، ظرفیت خاصی دارد و ظرفیت عبارت است از توانایی هسته در جذب تعداد و انواع مشخصی از وابسته‌ها (طیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۶). در چارچوب نظری دستور وابستگی، پنج نوع عنصر تشکیل‌دهنده همه گروه‌های نحوی زبان عبارت‌اند از یک و فقط یک هسته بعلاوه چهار نوع وابسته که به ترتیب میزان وابستگی‌شان به هسته عبارت‌اند از متمم اجباری هسته، متمم اختیاری هسته، افزوده خاص هسته و

افزوده‌ی عام که افزوده‌ی کل گروه است. متمم‌های اجباری و اختیاری وابسته‌هایی هستند که در ساخت ظرفیتی هسته قرار دارند و هسته ناظر بر صورت، تعداد و نوع آنهاست. حذف متمم اجباری، گروه را غیر دستوری می‌کند اما حذف متمم اختیاری باعث غیر دستوری شدن گروه نمی‌شود. افزوده‌های خاص به لحاظ مناسبات معنایی فقط با برخی از هسته‌ها به کار می‌روند، در صورتی که افزوده‌های عام، وابسته‌هایی هستند که با هر هسته‌ای به کار می‌روند و ارتباط معنایی خاصی بین هسته و آنها وجود ندارد (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۳).

فرایند اسم‌گردانی (*nominalization*) که از فرآیندهای بسیار زایای واژه‌سازی در بسیاری از زبان‌هاست، به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن از فعل یا صفت یا اسم، اسم ساخته می‌شود. یکی از انواع بسیار زایای این فرآیند مصدرگردانی نام دارد که منجر به ساخته شدن مصدر از فعل می‌شود. به اسم‌هایی که بدل از فعل هستند اسم‌های گزاره‌ای می‌گویند. این اسم‌ها بخشی از ساخت ظرفیتی فعل اصلی را بصورتی نظام‌مند در خود حفظ می‌کنند (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۲۳).

طیب‌زاده برای افعال فارسی به هشت متمم زیر اشاره می‌کند: فاعل، متمم مستقیم یا همان مفعول، متمم حرف اضافه‌ای یا همان مفعول حرف اضافه‌ای، متمم اضافه‌ای یا مضاف‌الیه، مسند یا متمم فاعلی، تمیز یا متمم مفعولی، متمم بندی و متمم قیدی. وی متمم‌های اسم در زبان فارسی را مشتمل بر سه متمم حرف اضافه‌ای، متمم اضافه‌ای و متمم بندی می‌داند. همچنین به این نکته اشاره می‌کند که غالباً اسم‌هایی متمم می‌گیرند که یا مشتق از فعل هستند یا معنای مصدری دارند؛ یعنی مصدرها، اسم مصدرها و حاصل مصدرها (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۶).

## ۲. روش تحقیق

آنچه در این مقاله در پی پاسخ دادن به آن هستیم این است که زمانی که از افعال، اسم گزاره‌ای می‌سازیم متمم‌های فعل دچار چه تغییراتی می‌شوند؟ با تغییر فعل به اسم گزاره‌ای قاعدتاً، متمم‌های هفت‌گانه‌ی فعل باید به متمم‌های سه‌گانه‌ی اسم تبدیل شوند زیرا فعل به اسم تبدیل می‌شود و بنابراین متمم‌های فعل نیز باید به گونه‌ای تغییر کنند که بتوانند در جایگاه متمم اسم قرار گیرند. بنابراین اینکه هر یک از این متمم‌ها چگونه تغییر می‌کنند، در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا با اسم‌گردانی تغییرات منظمی در متمم‌های فعل بوجود می‌آید یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ این سؤال نحوه‌ی این تغییرات به چه صورت خواهد بود، ساخت‌های بنیادین زبان فارسی را مورد بررسی قرار دادیم تا از این رهگذر تمامی ساخت‌های ممکن مورد ارزیابی قرار گرفته باشند و متمم‌های مختلف فعل در حضور یکدیگر بررسی شوند تا بتوان به انگاره‌ای از چگونگی تغییرات متمم‌ها رسید. ساخت بنیادین عبارت است از نمایش نقش دستوری متمم‌های هر جمله. ساخت بنیادین هر جمله براساس ساخت ظرفیتی فعل مرکزی آن جمله در واژگان زبان تعیین می‌شود، بنابراین ساخت بنیادین هر جمله مفهومی عمیقاً واژگانی است (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۳۶). طیب‌زاده ۲۴ ساخت بنیادین برای زبان فارسی بدست داده است. وی بیان می‌کند که برای رسیدن به ساخت بنیادین هر جمله، ابتدا باید افزوده‌های آن را حذف کرد و سپس نقش دستوری متمم‌ها و هسته را در جمله بنیادین مشخص کرد و در پایان نقش متمم‌ها را در درون دو جفت خط عمودی نمایش داد. برای مثال در جمله «او دیروز کتاب را با عجله به مادرش تحویل داد»، دیروز و با عجله از افزوده‌های جمله هستند و جزو ساخت بنیادین محسوب نمی‌شوند. بنابراین به جمله «او کتاب را به مادرش تحویل داد» می‌رسیم، با مشخص کردن نقش دستوری متمم‌ها و هسته در این جمله ساخت بنیادین این جمله را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:

[[او]]، [کتاب را متح]، [به مادرش متح]، [تحویل داد]]

یعنی ساخت بنیادین جمله فوق عبارت است از [[افا، مت، متح]] (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۵۰). ساخت‌های بنیادین زبان فارسی براساس تعداد ظرفیت فعل از یکدیگر مجزا شده‌اند. ساخت‌های بنیادین تک ظرفیتی، دو ظرفیتی، سه

ظرفیتی و چهار ظرفیتی. البته لازم است به این نکته توجه شود که میزان بسامد این ساخت‌ها با یکدیگر متفاوت است و برخی پر کاربردتر از دیگر ساخت‌ها هستند. ساخت‌های بنیادین زبان فارسی به تفکیک تعداد ظرفیت براساس چارچوب نظری دستور وابستگی طبیب‌زاده (۱۳۹۳) در زیر آورده شده‌اند. برای هر ساخت مثال یا مثال-هایی بیان شده است که این مثال‌ها عیناً از طبیب‌زاده نقل شده (طبیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۵۰) و صورت اسم-گردانی شده آنها نیز که هدف نگارنده بوده است، به دنبالش آمده است. در برخی موارد به نظر می‌رسد اسم‌گردانی منجر به تولید اسمی می‌شود که به نوعی غیرعادی است و کاربردی ندارد، در نمونه‌های زیر هرگاه به چنین مواردی برخورد کرده‌ایم، آنها را با علامت «؟» نمایش داده‌ایم.

## ۲.۱ ساخت‌های بنیادین تک ظرفیتی

|| فاعل ||

آمدن: علی آمد ..... آمدن علی

در این ساخت تک ظرفیتی، فاعل که تنها موضوع فعل است به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود.

|| فاعل بندی ||

جا داشتن: جا دارد که به دیدن او برویم ..... \* جا داشتن اینکه به دیدن او برویم  
این ساخت اسم‌گردانی نمی‌شود.

|| فاعل بندی غیرمشخص ||

توانستن: می‌توان رفت .... \* توانستن رفتن  
این ساخت اسم‌گردانی نمی‌شود.

## ۲.۲ ساخت‌های بنیادین دو ظرفیتی

|| فاعل بندی، مسند ||

بودن: ضروری است که او را ببینیم .... ضرورت دیدن او

بودن: لازم است او را ببینیم... لزوم دیدار او

فاعل بندی در این ساخت بنیادین، در اسم‌گردانی مبدل به مصدر یا اسم مصدر می‌شود و زنجیره «مسند+فعل ربطی» نیز غالباً مبدل به یک اسم گزاره‌ای می‌شود. گاهی نیز این ساخت اسم‌گردانی نمی‌شود: شایسته است او را ببینیم... \* شایستگی دیدار او

|| فاعل، متمم مستقیم ||

این ساخت به دو شکل اسم‌گردانی می‌شود، یکی به شکل نحوی و دیگری به شکل صرفی یا واژگانی. در اسم‌گردانی نحوی، فاعل مبدل به گروه حرف اضافه‌ای «توسط» می‌شود و مفعول در جایگاه متمم اضافه‌ای قرار می‌گیرد. با این شیوه می‌توان تمام موارد را اسم‌گردانی کرد.

خواندن: ما کتاب را خواندیم .... خواندن کتاب توسط ما

شستن: من میوه‌ها را شستم .... شستن میوه‌ها (توسط من)

شستن: علی او را شست... شستن او (توسط علی)

دیدن: ما علی را ملاقات کردیم... ملاقات (کردن) علی (توسط ما)

در اسم‌گردانی صرفی، مفعول به فعل منضم می‌شود و بخشی از اسم مرکب انضمامی می‌گردد و فاعل جایگاه متمم اضافه‌ای را پر می‌کند. در این حالت اگر متمم، اسم خاص یا ضمیر باشد، این ساخت اسم‌گردانی نمی‌شود: خواندن: ما کتاب را خواندیم... کتاب خواندن ما

شستن: من میوه‌ها را شستم... میوه شستن من

شستن: علی او را شست... \*او شستن علی

دیدن: ما علی را دیدیم... \*علی دیدن ما

همان‌طور که از مثال‌های فوق برمی‌آید در این ساخت‌ها علاوه بر فاعل، مفعول نیز وجود دارد. بنابراین رقابتی بین فاعل و مفعول برای قرار گرفتن در جایگاه متمم اضافه‌ای صورت می‌گیرد.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای ||

این ساخت معمولاً فقط به شکل نحوی اسم‌گردانی می‌شود و اسم‌گردانی صرفی آن چندان معمول و میسر نیست. اسم‌گردانی نحوی:

تعریف کردن: او از آرایش تو تعریف می‌کرد .... تعریف (کردن) او از آرایش تو اسم‌گردانی صرفی:

تعریف کردن: او از آرایش تو تعریف می‌کرد...؟؟ از آرایش تو تعریف کردن او

در اسم‌گردانی نحوی این ساخت، فاعل در جایگاه متمم اضافه‌ای قرار می‌گیرد و متمم حرف اضافه‌ای هم به همان صورت قبلی خود یعنی متمم حرف اضافه‌ای باقی می‌ماند.

|| فاعل، متمم اضافه‌ای ||

تعریف کردن: او تعریف تو را می‌کرد .... تعریف کردن او از تو

سفارش دادن: ما سفارش غذا دادیم .... سفارش دادن ما برای غذا / سفارش دادن غذا توسط ما / سفارش غذا دادن ما

در این ساخت می‌توان تحلیل‌های متنوعی داشت، تحلیل نخست که در هر دو مثال فوق صدق می‌کند، شامل تبدیل فاعل به متمم اضافه‌ای و متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای در اسم‌گردانی است. باتوجه به فعل سفارش دادن می‌توان تحلیل‌های دیگری نیز داشت. در تحلیل دوم متمم اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند و فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط تبدیل می‌شود. در تحلیل سوم متمم اضافه‌ای به صورت بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود و عبارت «سفارش غذا دادن ما» ساخته می‌شود که در آن فاعل هم به متمم اضافه‌ای تبدیل شده است. اما بهتر است تحلیلی را برگزینیم که مثال نقض کمتری داشته باشد و در نتیجه از عمومیت بیشتری برخوردار باشد.

|| فاعل، متمم بندی ||

قصد داشتن: ما قصد داریم این خانه را بخریم ....؟؟ قصد داشتن ما که این خانه را بخریم / قصد داشتن ما برای خریدن این خانه

گفتن: بچه‌ها گفتند که برویم ....؟؟ گفتن بچه‌ها که برویم / گفتن بچه‌ها برای رفتن

در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، در تحلیل نخست فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم بندی به همان صورت متمم بندی باقی می‌ماند که البته این ساخت به نظر می‌رسد که عجیب باشد. اما در تحلیلی دیگر می‌توان متمم بندی را به صورت متمم حرف اضافه‌ای اسم درآورد.

|| فاعل، مسند ||

بودن: خانه زیبا است .... زیبا بودن خانه

در این ساخت بر اثر اسم‌گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و مسند نیز به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود.

|| فاعل، متمم قیدی ||

رفتار کردن: او مؤدبانه رفتار کرد .... رفتار کردن مؤدبانه او / مؤدبانه رفتار کردن او

فروش کردن: این فیلم خیلی فروش کرده است .... خیلی فروش کردن این فیلم /؟؟ فروش کردن خیلی این فیلم

در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، با توجه به مثال‌های فوق می‌توان گفت ساختی که در آن متمم قیدی به عنوان متمم اضافه‌ای قرار می‌گیرد بنابر شم زبانی نگارنده تاحدی عجیب است، خصوصاً در مورد مثال دوم. بنابراین به نظر می‌رسد تحلیلی که در آن فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم قیدی به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود، تحلیل بهتری است.

|| فاعل بندی، متمم حرف اضافه‌ای ||

افت داشتن: برای ما افت دارد که برویم دیدن او .... افت داشتن اینکه برویم دیدن او برای ما / افت داشتن دیدار او برای ما

در این ساخت نیز همانند دیگر ساخت‌هایی که فاعل بندی داشتند به نظر می‌رسد بهتر باشد که فاعل بندی به متمم اضافه‌ای از نوع اسم مصدری تبدیل شود و متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند.

### ۲,۳ ساخت‌های بنیادین سه ظرفیتی

|| فاعل، متمم مستقیم، متمم حرف اضافه‌ای ||

پرسیدن: او راه را از من پرسید .... پرسیدن راه توسط دوستم از من / پرسیدن راه از من توسط دوستم پرسیدن: معلم درس را از من پرسید .... پرسیدن درس از من توسط معلم / درس پرسیدن معلم از من در اثر اسم‌گردانی از این ساخت به علت وجود مفعول، فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط و متمم مستقیم یا همان مفعول نیز به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند. ممکن است در برخی از نمونه‌های این ساخت بتوان مفعول را به فعل منضم کرد و آن را به عنوان بخشی از اسم مرکب انضمامی درآورد و در نتیجه فاعل را به متمم اضافه‌ای تبدیل کرد اما در همه‌ی فعل‌های این ساخت بنیادین و با همه‌ی مفعول‌ها نمی‌توان این کار را انجام داد. بنابراین به منظور عمومیت بیشتر، تحلیل نخست که مفعول به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود را ارجح می‌دانیم.

|| فاعل، متمم مستقیم، متمم اضافه‌ای ||

تحویل دادن: استاد مدارک را تحویل من داد .... تحویل دادن مدارک به من توسط استاد / مدارک تحویل دادن استاد به من / تحویل دادن مدارک توسط استاد به من یاد دادن: او ریاضی را یاد من داد .... یاد دادن ریاضی به من توسط او / ریاضی یاد دادن او به من / یاد من دادن ریاضی توسط او

در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، در تحلیل نخست که با شم زبانی نگارنده انطباق بیشتری دارد و از عمومیت بیشتری نیز برخوردار است، فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط و متمم مستقیم به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شوند. از طرفی متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود. در تحلیل دوم مفعول به فعل منضم می‌شود و بخشی از اسم مرکب انضمامی می‌شود، از طرفی فاعل به متمم اضافه‌ای و متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شوند. اما در این مورد نیز همانند موارد قبلی همه مفعول‌ها را نمی‌توان به فعل منضم کرد.

|| فاعل، متمم مستقیم، متمم بندی ||

خبر کردن: آنها مردم را خبر کردند که جنگ شده است .... خبر کردن مردم توسط آنها که جنگ شده است / خبر کردن مردم توسط آنها برای شروع شدن جنگ

در اثر اسم‌گردانی در این ساخت فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط و متمم مستقیم به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شوند. متمم بندی نیز می‌تواند به همان صورت باقی بماند و یا اینکه به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل شود و در گروه حرف اضافه‌ای ساخته شده از آن نیز اسم‌گردانی از بند انجام گیرد. که در این مثال بند «که جنگ شروع شده است»

به شروع شدن جنگ تبدیل می‌شود یعنی اسم گردانی روی داده است و مسند به بخشی از اسم مرکب انضمامی و فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل شده‌اند.

|| فاعل، متمم مستقیم، تمیز ||

پنداشتن: مردم او را دیوانه می‌پنداشتند .... دیوانه پنداشتن او توسط مردم

در این ساخت در اثر اسم گردانی، فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط، مفعول به متمم اضافه‌ای و تمیز به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود.

|| فاعل، متمم مستقیم، متمم قیدی ||

لاغر کردن: ورزش علی را ده کیلو لاغر کرد .... ده کیلو لاغر کردن علی توسط ورزش / لاغر کردن علی توسط ورزش به میزان ده کیلو

علی خودش را ده کیلو لاغر کرد .... \* ده کیلو لاغر کردن خودش توسط علی .... ده کیلو لاغر کردن علی توسط خودش

در این ساخت، در اثر اسم گردانی فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط و متمم مستقیم به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شوند. متمم قیدی نیز به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود. نکته جالب توجه در این ساخت، این است که اگر مثال اول را به صورت مثال دوم دربیابیم یعنی متمم مستقیم از ضمائر انعکاسی باشد، در این صورت متمم مستقیم و فاعل در اسم گردانی جایگاه‌های متفاوتی نسبت به دیگر ساخت‌ها دریافت می‌کنند. یعنی فاعل علی‌رغم حضور متمم مستقیم، به متمم اضافه‌ای و مفعول به متمم حرف اضافه‌ای توسط تبدیل می‌شود و این موضوع ناشی از یکسان بودن مرجع فاعل و مفعول می‌باشد.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای، متمم حرف اضافه‌ای ||

آمدن: ما از تهران به همدان آمدیم .... آمدن ما از تهران به همدان

در این ساخت در اثر اسم گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم‌های حرف اضافه‌ای هم به همان صورت باقی می‌مانند.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای، متمم اضافه‌ای ||

درخواست کردن: او از ما درخواست کمک کرد .... درخواست کمک کردن او از ما / درخواست کردن او از ما برای کمک / کمک درخواست کردن او از ما

دستور دادن: فرمانده به سربازان دستور حمله داد .... دستور حمله دادن فرمانده به سربازان / دستور دادن فرمانده به سربازان برای حمله / \* حمله دستور دادن فرمانده به سربازان

آنچه در این دو فعل قابل توجه است این است که باوجود یکسان بودن ساخت‌های بنیادین آنها، در مورد درخواست کردن می‌توان «کمک درخواست کردن او از ما» را ساخت اما از فعل دستور دادن نمی‌توان «حمله دستور دادن فرمانده به سربازان» را ساخت زیرا غیردستوری است. بنابراین به نظر می‌رسد در این ساخت در اثر اسم گردانی، تحلیلی که در آن فاعل به متمم اضافه‌ای و متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شوند و متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند، تحلیل جامع‌تری است و با نتایج حاصل از ساخت‌های بنیادین دیگر نیز قرابت نزدیک‌تری دارد.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای، متمم بندی ||

کمک کردن: آنها به ما کمک کردند که اجازه اقامت بگیریم ....؟؟ کمک کردن آنها به ما که اجازه اقامت بگیریم / کمک کردن آنها به ما برای اینکه اجازه اقامت بگیریم

در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند و متمم بندی نیز می‌تواند به همان صورت باقی بماند و یا به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل شود. بنابر ششم زبانی نگارنده، تبدیل متمم بندی به متمم حرف اضافه‌ای عادی‌تر است.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای، تمیز ||

اطلاق کردن: آنها به این کوچه‌ها، خیابان اطلاق می‌کنند .... خیابان اطلاق کردن آنها به این کوچه‌ها در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای و تمیز به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود و متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند.

|| فاعل، متمم اضافه‌ای، متمم بندی ||

یاد دادن: روزگار یاد من داد که صبور باشم .... یاد دادن روزگار به من که صبور باشم / یاد دادن روزگار به من برای صبور بودن

در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود. متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم بندی می‌تواند به همان صورت باقی بماند و یا به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل شود.

#### ۲.۴ ساخت‌های بنیادین چهار ظرفیتی

|| فاعل، متمم مستقیم، متمم حرف اضافه‌ای، متمم حرف اضافه‌ای ||

فرستادن: او نامه را از ایران به آلمان فرستاد .... فرستادن نامه از ایران به آلمان توسط او / نامه فرستادن او از ایران به آلمان

در اثر اسم‌گردانی در این ساخت، فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط و متمم مستقیم یا مفعول به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شوند و متمم‌های حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌مانند. در این ساخت نیز می‌توان برخی از مفعول‌ها را به فعل منضم کرد و آن را بخشی از اسم مرکب انضمامی قرار داد تا فاعل هم در جایگاه متمم اضافه‌ای قرار گیرد. اما به علت عمومیت نداشتن آن این تحلیل را در نظر نمی‌گیریم.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای، متمم حرف اضافه‌ای، متمم بندی ||

شرط بستن: من سر یک میلیون با تو شرط می‌بندم که او می‌آید .... شرط بستن من با تو سر یک میلیون که او می‌آید / شرط بستن من با تو سر یک میلیون برای آمدن او

در این ساخت بر اثر اسم‌گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود. متمم‌های حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌مانند و متمم بندی نیز می‌تواند به همان صورت باقی بماند یا اینکه به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل شود. که در این صورت اسم‌گردانی در داخل متمم بندی هم رخ می‌دهد.

|| فاعل، متمم حرف اضافه‌ای، متمم اضافه‌ای، متمم بندی ||

شرط بستن: من با تو شرط یک میلیون می‌بندم که او می‌آید .... شرط یک میلیون بستن من با تو که او می‌آید / یک میلیون شرط بستن من با تو که او می‌آید / یک میلیون شرط بستن من با تو برای آمدن او

در این ساخت در اثر اسم‌گردانی، فاعل به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و متمم حرف اضافه‌ای به همان صورت باقی می‌ماند. متمم اضافه‌ای می‌تواند به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل شود یا به همان صورت متمم اضافه‌ای باقی بماند. در دیگر ساخت‌هایی که متمم اضافه‌ای داشتند، در اثر اسم‌گردانی متمم اضافه‌ای در همه موارد به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل شده است، بنابراین در این ساخت نیز می‌توان برای رسیدن به تحلیلی جامع از تبدیل متمم اضافه‌ای به بخشی از اسم مرکب انضمامی صرف نظر کرد، که به نظر می‌رسد با توجه به کم بسامد بودن این ساخت، بتوان این کار را انجام داد. از طرفی متمم بندی نیز می‌تواند به همان صورت باقی بماند یا اینکه به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل شود که همانند موارد قبلی بند متمم نیز خود دستخوش اسم‌گردانی قرار می‌گیرد.

با توجه به تحلیل‌های فوق می‌توان گفت که فاعل در جملات لازم همواره به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود. در جملاتی هم که علاوه بر فاعل متمم‌های دیگری به جز متمم مستقیم حضور داشته باشند، فاعل به متمم اضافه‌ای اسم تبدیل می‌شود، اما اگر جمله متعدی باشد و در ساخت ظرفیتی، متمم مستقیم یا مفعول وجود داشته باشد، در این صورت فاعل دیگر به متمم اضافه‌ای تبدیل نمی‌شود؛ بلکه به متمم حرف اضافه‌ای توسط تبدیل می‌شود و متمم مستقیم به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود. در این ساخت‌ها نیز اغلب متمم حرف اضافه‌ای توسط گرایش به حذف شدن دارد. در مواقعی که فاعل به صورت فاعل بندی است، در اثر اسم‌گردانی فاعل بندی به نوعی اسم گزاره‌ای تبدیل می‌شود و تبدیل آن به عنوان یکی از متمم‌های فعل به نوعی غیرعادی می‌نماید.

متمم‌های حرف اضافه‌ای در اسم‌گردانی، به همان صورت باقی می‌مانند. اگر متمم از نوع متمم اضافه‌ای باشد، در بیشتر موارد به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود اما می‌توان به نمونه‌هایی نیز اشاره کرد که به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و بنابراین جای فاعل را در اسم‌گردانی پر می‌کند و فاعل به متمم حرف اضافه‌ای توسط تبدیل می‌گردد. برای مثال در جمله «ما دیشب سفارش پیتزا دادیم» می‌توان اسم‌گردانی را به این صورت انجام داد که «سفارش دادن پیتزا توسط ما» حاصل شود. اما تحلیلی که تعمیم‌پذیری بیشتری دارد، تبدیل متمم اضافه‌ای به متمم حرف اضافه‌ای می‌باشد. در ساخت‌هایی که متمم‌بندی دارند، به نظر می‌رسد اسم‌گردانی کمتر روی می‌دهد؛ به بیانی دیگر اسم‌گردانی از این ساخت‌ها بسامد پایین‌تری دارد و کاربرد آن کم است. با این حال با بررسی ساخت‌های بنیادینی که متمم‌بندی داشته‌اند می‌توان به این نتیجه رسید که متمم‌بندی در اثر اسم‌گردانی یا به همان صورت باقی می‌ماند و یا به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود. اگر تبدیل به متمم حرف اضافه‌ای انجام شود؛ در این صورت خود بند متممی نیز دستخوش اسم‌گردانی قرار می‌گیرد و فعل آن بند به اسم گزاره‌ای تبدیل می‌شود و دیگر تبدیل‌های متمم‌ها نیز در آن روی می‌دهد. متمم‌قیدی، تمیز و مسند نیز در اسم‌گردانی، به نوعی به فعل منضم می‌شوند به گونه‌ای که فعل مرکبی ساخته می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد این متمم‌ها به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شوند.

### ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی ۲۴ ساخت بنیادین جملات زبان فارسی به تحلیل چگونگی تغییر متمم‌های هفت‌گانه فعل در فرایند اسم‌گردانی براساس چارچوب نظری طبیب‌زاده (۱۳۹۳) پرداختیم. براساس این فرایند که از فرایندهای زیاده‌ساز در زبان‌هاست، اسم حاصل بخشی از ساخت ظرفیتی فعل مشتق شده از آن را به گونه‌ای نظام‌مند در خود حفظ می‌کند. بنابراین متمم‌های هفت‌گانه فعل باید به متمم‌های سه‌گانه اسم تبدیل شوند. با بررسی این فرایند در ساخت‌های بنیادین زبان فارسی به این نتایج رسیدیم که: فاعل پس از اسم‌گردانی در صورت عدم حضور متمم مستقیم و در حضور دیگر متمم‌ها، به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود و در حضور متمم مستقیم به متمم حرف اضافه‌ای توسط تبدیل می‌شود. متمم مستقیم یا مفعول به متمم اضافه‌ای تبدیل می‌شود. از طرفی متمم حرف اضافه‌ای در اثر این فرایند تغییری نمی‌کند و به صورت متمم حرف اضافه‌ای اسم باقی می‌ماند. مسند با منضم شدن به فعل، به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود. تمیز نیز همانند مسند به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود. در ساخت‌های بنیادینی که متمم‌قیدی نیز حضور دارد، این متمم گرایش به منضم شدن به فعل از خود نشان می‌دهد و بنابراین به بخشی از اسم مرکب انضمامی تبدیل می‌شود. متمم‌بندی در اثر اسم‌گردانی یا به همان صورت متمم‌بندی، باقی می‌ماند و یا به متمم حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شود.

### منابع

طبیب‌زاده، امید؛ *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز، پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵.

طبیب‌زاده، امید؛ *دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۳.